

شده است!

کجاست آن که پایه‌های دانش را در سرزمین آفت گرفته جهل برقرار می‌کند. از ظلم ستمکاران درد می‌بریم گفتند کسی برای براندازی ظلم می‌آید، کسی که پستی‌ها را هموار می‌کند. کجروی‌ها را راست می‌کند، کسی که دردها را درمان می‌کند. کجاست آن مستنهای امید مستضعفان که ظلم را گردن می‌زند و سیاهی را سپید می‌کند. دین و آیین از کف رفت. سنت‌ها مردند و فرایض بیمار شدند، کجاست آن که آیین را باز می‌گرداند، قرآن را زنده می‌کند و بیماری را فرایض را درمان می‌کند، شرک و پلیدی بنیاد فطرت‌ها را ویران کرد، گمراهی در دل‌ها ریشه دوانید و هواپرستی جایگزین خداپرستی شد، کجاست آن که روزی آرزو کردیم برای شوکت ایمان بیاید. آن که سرکشی‌های ظلم را ویران و شاخه‌های گمراهی را درو می‌کند، کجاست؟ آن که هواپرستان را خداپرست می‌کند و خداپرستان را عزت می‌بخشد، کجاست تا ببیند چگونه دوستان او خوار گشته‌اند و دشمنانش عزیز، گمراهان بزرگ شده‌اند و هادیان ضعیف، کجاست آن که می‌آید تا دوستان را عزیز کند و در قحطی زهد از تقوا بگوید و باب الله را به روی خداجویان بگشاید و ما اکنون در خراب آباد، آخرالزمان هر لحظه تا مرگ می‌رویم کجاست آن که انتظارمان را پایان بخشد، کجاست ادامه خداوند ... این یقین الله

زیر باران ندبه

طیبه رضوانی

فریاد کنند. کجاست حسن، آن اسوه صبری که صبرش دین را چراغان کرد، کجاست حسین؟! مرد شهادت، که قطره قطره خورش چکید و نام آزادی جاودان ماند، کجا رفته‌اند فرزندان حسین که در اسارت خویش آزادی عشق و ایمان را معنا کردند، آن صالحان یک به یک به دنبال یکدیگر کجا رفتند، کی نشانی راه حق را می‌داند؟! کی محل طلوع خورشید را می‌داند؟! تا در این ظلمات در پناه نور قرار گیریم! ما در تاریکی راه گم گشته‌ایم، عابریم اما عبور از جاده معرفت را نمی‌دانیم! جهل مان عالم‌گیر شده است، پای رفتنمان تا کوی ایمان فلج شده است و قلبمان زخمی غفلت

من به شوق دیدار تو کوچه پس کوچه‌های روحانی عشق را گشتم، در خانه کاهگلی دل ساکن شدم، چلچراغ ایمان آویختم و در تاریکی هجران شعر سبز وصال را سرودم، تو از صبر گفتی، من از دیدار، تو بر افق انتظار بر ما نگریستی و ما زیر باران ندبه از دلنتگی تو گفتیم:

تو یاک و لطیف ای خدای عزیز، مهربانی و راست وعده، حکیمی و عزیز، تو خدایی خاندان پاک احمدی، محمد، علی و چهارده معصوم هستی، ایشان خاندان نورند و یاران ایشان اشک ریزان غروب این نورها. آه در تاریکی فراق آن‌ها اشک‌ها باید جاری شود. شیون‌ها برخاسته شود و ناله‌ها